



در چه مواردی مال بخشیده شده را از گیرنده نمی توان پس گرفت؟

وقتی چیزی را به دیگری می بخشیم، شاید تصور اینکه پشت این بذل و بخشش چه مباحث حقوقی و قضایی نهفته است برایمان دشوار باشد؛ اما نباید فراموش کرد که بخشیدن یک مال مترادف با انعقاد عقد هبه است و این قرارداد شرایط خاصی دارد.

وقتی چیزی را به دیگری می بخشیم، شاید تصور اینکه پشت این بذل و بخشش چه مباحث حقوقی و قضایی نهفته است برایمان دشوار باشد؛ اما نباید فراموش کرد که بخشیدن یک مال مترادف با انعقاد عقد هبه است و این قرارداد شرایط خاصی دارد.

به گزارش تابناک؛ براساس ماده 795 قانون مدنی، هبه عقدی است که به موجب آن يك نفر مالي را به رایگان به شخص دیگری تملیک می کند؛ به عبارت دیگر او مال خود را به طور مجانی به ملکیت دیگری در می آورد.

در این عقد سه طرف وجود دارد: واهب، متهب و عین موهوبه؛ واهب کسی است که مالش را تملیک می کند، متهب کسی است که مال به ملکیت او در می آید و عین موهوبه هم مالی است که مورد هبه واقع می شود.

در چند مورد واهب (هدیه دهنده) نمی تواند مالی را که بخشیده است را از گیرنده آن پس بگیرد.

در چه مواردی هبه دهنده حق ندارد مال بخشیده شده را از گیرنده آن پس بگیرد؟ به گزارش خبرنگار گروه حقوقی و قضایی خبرگزاری میزان، در چند مورد واهب (هدیه دهنده) نمی تواند مالی را که بخشیده است را از گیرنده آن پس بگیرد که به شرح ذیل می باشد:

۱- اگر کسی مالش را به پدر، مادر یا فرزند خود ببخشد و آن را تحویل دهد، دیگر پشیمانی سودی ندارد و نمی تواند از بخشش خود رجوع کند. در مورد هبه میان زن و شوهر قانونگذار صحبتی نکرده است، ولی برخی از حقوق دانان معتقدند که رجوع از این هبه جایز است، گرچه برخی از فقها رجوع در این موارد را از نظر شرعی مکروه می دانند.

۲- هبه معوض؛ این نوع از هبه نیز یکی دیگر از مواردی است که واهب در آن حق رجوع ندارد، البته به شرطی که متهب به قول خودش عمل کرده و آن عوضی که قرار بوده به واهب بدهد را به دست وی رسانده باشد.

۳- در اثر قرارداد هبه مال از ملکیت واهب خارج شده و به ملکیت متهب در می آید. به همین خاطر، متهب پس از اعلام رضایت به این قرارداد و دریافت موضوع آن، مالک آن شده و نمی تواند مانند هر مالک دیگری هر طور که بخواهد با مالش رفتار کند مثلاً آن را به دیگری بفروشد یا ببخشد یا بابت طلبش رهن گذارد. هر یک از این تصرفات که نسبت مال بخشیده شده از سوی متهب انجام شود، حق رجوع را از واهب می گیرد. درجایی که شخص متهب ورشکسته می شود و قانونگذار اموالش را وثیقه طلب طلبکارانش قرار می دهد نیز واهب حق رجوع از هبه را از دست می دهد.

۴- یکی دیگر از تصرفاتی که هر مالکی از جمله متهب می تواند در مال خود انجام دهد، ایجاد تغییراتی در آن است، مثلاً واهب یک قواره پارچه به متهب می بخشد و متهب با آن لباس می دوزد یا واهب به متهب مقداری گندم هبه می کند و متهب آن را تبدیل به آرد کرده و با آرد نان می پزد.

در صورتی که تغییراتی در مال ایجاد شود، خواه به دست متهب یا غیر او یا به وسیله علل و عوامل طبیعی هم چون سیل، زلزله که مال آن چنان دگرگون شود که نتوان گفت: این مال همان مالی است که واهب به متهب بخشیده، حق رجوع واهب از بین خواهد رفت. اما اگر تغییرات ایجاد شده تا این میزان نباشد و مال را به کلی دگرگون نسازد، حق واهب نیز باقی می ماند، به طور مثال، اگر واهب خانه ای را به دیگری ببخشد و متهب دیوارهای آن را رنگ آمیزی نماید، تغییر ایجاد شده

در حدی نیست که از بین برنده حق رجوع واهب باشد.

۵- فوت هریک از واهب یا متهب نیز حق رجوع واهب را بین می‌شود؛ این مسأله در ماده ۸۰۵ قانون مدنی مورد اشاره واقع شده است. در حقیقت، قانونگذار خواسته است که حق رجوع یک حق شخصی باشد که فقط متعلق به واهب بوده و فقط هم در برابر متهب امکان استفاده داشته باشد. به این ترتیب، باید گفت که این حق به ورثه واهب یا متهب به ارث نمی‌رسد.

۶- توافق واهب و متهب هم می‌تواند حق رجوع را از واهب بگیرد؛ این ترتیب که این دو باهم توافق می‌کنند؛ نمایند که واهب از حق خود صرف‌نظر کند. البته واهب با تصمیم خود نیز می‌تواند از حقش بگذرد.